

خلاصه و چکیده ای

از کتاب " گناهان کبیره "

تألیف: شهید محراب آیت الله دستغیب شیرازی

www.nomov.ir

در حال تکمیل و ویرایش

گناهان کبیره که در کتاب شهید دستغیب بیان شده است به شرح زیر است :

شرک به خدا - یأس - القنوط من رحمت الله - الامن من مکر الله - آدم کشی - عقوق والدین - قطع رحم - خوردن مال یتیم - رباخواری - زنا - لواط - قذف - شرابخواری - قمار - اشتغال به ملاحی - غنا - دروغ - سوگند دروغ - گواهی دروغ - گواهی ندادن - پیمان شکنی - خیانت به امانت - دزدی - کم فروشی - حرام خواری - حبس الحقوق - فرار از جهاد - تعرب بعد از هجرت - کمک به ستمگران - یاری نکردن ستم دیدگان - سحر - اسراف - تکبیر - جنگ با مسلمانان - خوردن مردار و خون و گوشت خوک - ترک نماز عمداً - زکات ندادن - استخفاف حج - ترک یکی از واجبات - اصرار بر گناه - غیبت - نیمه - ریختن آبروی مومن - مکر و نیرنگ - احتکار - حسد - دشمنی کردن با مومن - مساحقه - قیادت و دیانت - استمناء - بدعت - حکم ناحق - کارزار در ماه حرام و بازداشتن از راه خدا - کفران نعمت - فتنه - فروختن اسلحه به کفار - بهتان - هتک حرمت مقدّسات

گناهان کبیره

گناهان کبیره، گناهایی هستند که از نظر اسلام پراهمیت و بزرگ اند. نشانه‌ی اهمیت این گناهان آن است که برای‌شان به نهی اکتفا نشده است و به عذاب دوزخ نیز تهدید شده است.

مقدمه

شهید بزرگوار (آیت الله دستغیب) در مقدمه اش آثار نیک تقوی را از آیات و اخبار و خطبه نهج البلاغه بر می شمرد و پس از متوجه ساختن خواننده به اهمیت تقوا، معنی و حقیقت آن که انجام واجبات و ترک محرمات است را با بیانی شیوا ثابت می کند و در زمین مساعد تخم عمل به هر کمی باشد بارور میشود ولی با آفت گناه کوه عمل نیز گاهی نمی ارزد.

رویه‌م رفته ارزش هر کس به اندازه تقوای او است و می‌دانیم که تقوی را مراتب متعدد و مختلفی است و نخستین مرتبه آن ترک گناهان و انجام واجبات است و مرتبه دوم تهذیب نفس و آراسته شدن به ملکات فاضله است و در مرتبه سوم از غیر خدا بریدن و یکباره به او پیوستن است.

۱- شرک بالله

اولین گناه کبیره شرک بخدای تعالی است و به کبیره بودن آن، حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین و صادق و کاظم و رضا و جواد علیهم السلام تصریح فرموده اند بلکه از حضرت صادق(ع) آمده است که از هر گناه کبیره بزرگتر شرک بخداست.

و دلیل بر اینکه بزرگترین گناهان کبیره است فرمایش پروردگار است که می‌فرماید:

«خدا نمی‌آمرزد شرک آورده شده به او را اگر کسی مشرک از دنیا برود آمرزیده شدنی نیست، و غیر شرک را از هر که بخواهد می‌آمرزد.» یعنی غیر از شرک قابل آمرزش است.

و نیز می‌فرماید: «کسی که به خدا شرک آورد خدا بهشت را برا او حرام فرموده و جایگاهش دوزخ است و برای ستم کنندگان یاری کنندگانی نیست.»

چون کبیره بودن گناه شرک نزد هر مسلمانی بدیهی است ذکر سایر آیات شریفه و روایات وارده در بزرگی این گناه لزومی ندارد، چیزی که مهم است دانستن معنی شرکت و مراتب آن است.

۲- یأس

دوم از گناهان کبیره ناامیدی از رحمت الهی است. «الیأس من روح الله» روح در لغت نسیمی را می‌گویند که انسان از آن لذت و راحتی می‌برد. چون سبب یأس از پروردگار عالم اعتقاد نداشتن بقدرت و کرم و رحمت بی‌پایان او است در قرآن مجید آنرا از صفات کفار قرار داده و می‌فرماید «ناامید از رحمت الهی نمی‌شود مگر کسی که کافر است.»

پس از شرک هیچ گناهی بزرگتر از یأس نیست زیرا هر گناهی که از شخصی سر می‌زند تا وقتی که مأیوس نباشد ممکن است در صدد توبه برآمده و با استغفار آمرزیده شود ولی شخص مأیوس آمرزیده شدنی نیست زیرا امید به آمرزش و مغفرت خدا ندارد تا توبه نماید.

از این گذشته یأس سبب جرأت بر جمیع گناهان می‌گردد چون شخص می‌گوید من که معذب خواهم بود چرا خودم را از شهوت دنیا محروم نمایم؟

۳- دروغ

یکی از مبتلابه ترین گناهان، دروغ است که بکبیره بودنش تصریح شده، شیخ انصاری علیه الرحمه در کاسب محرمه می فرماید، دروغ گفتن حرام است بحکم قطعی بشری و جمیع ادیان آسمانی و در شرع مقدس اسلام حرمت آن به ادله اربعه: کتاب، اجماع، سنت و عقل ثابت است و کبیره بودنش از قرآن و احادیث استفاده می گردد.

دروغ از بزرگترین کبائر:

رسول خدا(ص) فرمود: بزرگترین گناهان کبیره، شرک و عقوب والدین و قول باطل یعنی دروغ می باشد.

لعن ملک و بودی کند:

رسول خدا(ص) فرمود: مؤمن هر گاه بدون عذر دروغی بگوید هفتاد هزار ملک او را لعنت می کنند و بوی گندی از قلبش بیرون می آید که تا بعرش می رسد و خداوند بسبب این دروغ گناه هفتاد زنا که کمترین آن زنای با مادر است برای او می نویسد.

قرآن مجید و دروغ:

در سوره نحل می فرماید: جز این نیست که می بافند دروغ را کسانی که ایمان نیاورده اند و تصدیق نکرده اند نشانه های خداوند را. یعنی دروغگو ایمان به آیات خداوند ندارد.

و از چند آیه قرآن استفاده می شود که دروغگو مستحق لعنت و سزاوار خشم پروردگار است. (سوره ۲۴ آیه ۷)

آیات و اخبار وارده در بزرگی گناه دروغ و شدت عقوبت و مفاسد و زیانهای مترتبه بر آن زیاد که مرحوم حاجی نوری علیه الرحمه برای اختصار و آسانی حفظ آن چهل مورد را شماره کرده بدین قرار: (در کتاب به همه موارد پرداخته شده است. موارد اشاره شده در این مقاله ۲۵)

- ۱- دروغگو قابل رفاقت، اتحاد و برادری نیست. ۲- دروغگو مروتش از همه خلق کمتر است. ۳- دروغگو ایمان ندارد. ۴- دروغ اثم و گناه است. ۵- دروغگو ملعون است. ۶- دروغگو تخم دشمنی و کینه را در دلها می کارد. ۷- دروغ از شراب بدتر است. ۸- بوی گند دروغ ۹- خداوند دروغگو را لعنت می فرماید. ۱۰- فرار ملک. ۱۱- بوی گند دروغ تا به عرش می رسد. ۱۲- ملائکه مقربین دروغگو را لعنت می کنند. ۱۳- دروغ خراب کننده ایمان است. ۱۴- دروغ قول زور است. ۱۵- دروغگو رو سیاه است. ۱۶- دروغ نشانه یک نفاق است. ۱۷- دروغ زشت ترین مرضهای نفسانیه است. ۱۸- دروغ انگشت پیچ شیطان است. ۱۹- دروغ بدترین رباهاست. ۲۰- دروغ دری از درهای نفاق است. ۲۱- دروغگو از نماز شب محروم است. ۲۲- دروغ بزرگترین خبائث است. ۲۳- دروغ صاحبش را هلاک می کند. ۲۴- خداوند دروغگو را هدایت نمی کند. ۲۵- دروغ فسق است.

۴- سوگند دروغ :

از گناهان کبیره ای که فضل بن شازان از حضرت رضا (ع) به کبیره بودنش تصریح فرموده و در ولایت تحت العقول در شمار کبائر آورده شده و صریحا می فرماید که سوگند دروغ فاسد کننده ایمان است.

سوگند دروغ یعنی که شخص از گذشته یا حال به دروغ خبری می دهد و برای تاکید یا اثبات آن به خداوند سوگند یاد می کند مثلا می گوید وا...روز گذشته فلان کار را کردم.

حضرت امام صادق (ع) برای کبیره بودن قسم دروغ، آیه ۷۶ سوره آل عمران را دلیل آورده اند : جز این نیست کسانی که عهد خدایی و سوگند های خود را در مقابل قیمت ناچیز از دست بدهند بریا ایشان بهره ای پس از مرگ نیست و روز قیامت خدا با ایشان سخن نمی گوید و به نظر رحمت به ایشان نگاه نمی گردد و ایشان را پاک نمی گرداند، و برای ایشان عذاب دردناکی است.

و حضرت صادق (ع) می فرماید: کسی که قسم بخورد در حالی که می داند دروغ می گوید پس آشکارا با خداوند جنگیده است.

و نیز می فرماید : هرگاه بنده ای خدا را بر دروغ خود شاهد قرار دهد و بگوید خدا می داند که راست می گویم و مطلب این طور است که گفتم در حالی که دروغ می گوید خداوند می فرماید آیا جز من نیافتی کسی را که براو دروغ بندی .

۵- گواهی دروغ:

از گناهانی که به کبیره بودنش تصریح شده شهادت دادن به چیزی است که دروغ و خلاف واقع است ، چنانچه در صحیحہ حضرت عبدالعظیم از حضرت جواد (ع) و روایت فضل بن شازان از حضرت رضا (ع) و روایت اعش از حضرت صادق (ع) به کبیره بودنش تصریح شده .

رسول خدا(ص) می فرماید گواهی دروغ همپایه شرک است یعنی مساوی با بت پرستی است و این جمله سه مرتبه روی منبر تکرار فرمود آنگاه آیه شریفه زیر را خواند:

((از پلیدی که پرستش بها است دوری کنید و از گفتار دروغ بپرهیزید)) آیه ۳۱ سوره حج

امام صادق (ع) می فرمایند: گواهی دهنده به دروغ از جای خود حرکت نمی کند مگر اینکه برایش آتش دوزخ واجب می شود .

رسول خدا (ص) فرمودند : کسی که به ضرر یکی از مردمان گواهی دروغ بدهد در پایین ترین درکات جهنم به زبانش آویزان و با منافقین محشور می شود.

از گناهان کبیره ای است که در روایت اعمش از امام صادق (ع) می فرمایند : از جمله کبائر اصرار کردن بر گناهان صغیره است . همچنین از ایشان رسیده است : گناه صغیره ای که بر آن اصرار شود دیگر صغیره نیست بلکه کبیره است چنانچه گناه کبیره ای که از آن پشیمانی حاصل شود و عزم بر ترک آن داشته باشد دیگر کبیره نیست عقاب از آن ساقط می شود . در حدیثی از کافی از رسول خدا (ص) است که از جمله نشانه های شقاوت اصرار بر گناه است .

اصرار بر گناه یعنی شخص پس از گناه صغیره ای که انجام داده از آن پشیمان نشود بلکه باز هم بجا آورد و بر آن مداومت نماید. مثلا بنابر این که در دست کردن انگشتر طلا که بر مردان حرام است کبیره بودنش ثابت نشده باشد در صورتی که شخص از پوشیدنش دست برندارد و بر آن مداومت نماید قطعاً گناه کبیره می شود.

بعضی از فقها فرموده اند بجا آوردن گناه صغیره یک مرتبه با عزم انجام دو مرتبه آن اصرار بر گناه است .

اسراف از گناهان کبیره ای است که در صحیحہ فضل بن شاذان از حضرت امام رضا (ع) و در روایت اعمش از امام صادق (ع) ضمن شماره کبائر ذکر فرموده اند :

در سوره اعراف می فرماید ((و بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید و از حد نگذارید ، به درستی که خداوند مسرفین و تجاوز کاران را دوست ندارد)) یعنی خدا مسرفین را دشمن می دارد و بعضی از مفسرین فرموده اند هر که خدا او را دوست ندارد اهل عذاب است زیرا محبت خدا به معنی رساندن ثواب است

اسراف به معنی تجاوز از حد و زیاده روی کردن است و آن یا از جهت کمیت است که صرف کردن مال است در موردی عقلاً و شرعاً سزاوار است اما بیش از آنچه شایسته است مانند آن لباسی با قیمت پانصد تومان بخرد و آن را بپوشد در حالی که لباسی که لایق به حال و شان اوست باید معادل صد تومان باشد.

سه قسم اسراف است که در همه حالات حرام است و به شخص و زمان و جایی اختصاص ندارد.

۱- ضایع کردن مال و بی فایده کردن آن هر چند کم باشد مانند روشن کردن چراغ در روشنایی آفتاب

۲- صرف کردن مال در آنچه به بدن ضرر برساند از خوردنی و آشامیدنی و غیر آنها مانند خورده چیزی پس از سیری هرگاه مضر باشد .

۳- صرف کردن مال در مصرفهایی که شرعاً حرام است مانند خریدن شراب و آلات قمار و رشوه دادن

۸- ترک یکی از واجبات:

از گناهانی که به کبیره بودنش تصریح شده ترک کردن یکی از واجبات الهی است چنانچه در صحیحہ عبد العظیم از امام جواد (ع) و امام رضا (ع) و امام موسی کاظم (ع) و امام جعفر صادق (ع) آورده شده که می فرمایند: ((ترک کردن چیزی از آنچه خدا واجب فرموده گناه کبیره است))

امام صادق (ع) می فرمایند: ترک کردن چیزی را که خداوند به آن امر فرموده از کفر است چنانچه خداوند در سوره بقره آیه ۸۴ می فرمایند ((آیا بضی از دستورات کتاب آسمانی می گروید به بعضی دیگر کافر می شوید ، چیست سزای هر که از شما که این کار را می کند جز خواری در دنیا و در قیامت به سخت ترین عذاب دچار شود و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست))

هر چیزی را که خداوند به آن امر فرموده به طوری که در بجا آوردنش ثواب و در ترکش وعده عذاب داده باشد ، آ» را واجب می گویند . مهم ترین واجبات الهی که ارکان دین هستند . نماز ، روزه ، زکات ، حج ، خمس ، جهاد ، امر به معروف و تولی و تبری می باشد.

۹- حقوق والدین

پنجمین از گناهان کبیره حقوق والدین است چنانچه حضرت رسول اکرم(ص) و حضرت امیر المومنین(ع) و حضرت صادق و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام در روایاتی که در شماره کبائر از ایشان رسیده بکبیره بودنش تصریح فرموده اند بلکه از پیغمبر اکرم(ص) چنین رسیده است که از هر گناه کبیره بزرگتر شرک بخدا و حقوق والدین است و نیز از گناهانی است که در قرآن مجید و احادیث صحیحہ بر آم وعده عذاب داده شده است.

در قرآن مجید از قول عیسی بن مریم حکایت می فرماید: «که خداوند مرا نیکوکار به مادرم قرار داد و مرا ستمکار و بد عاقبت قرار نداد بسبب ترک نیکی به مادرم» و سبب اینکه ذکر پدر نکرده اینست که آن حضرت پدر نداشت و لذا قبل از این آیه در حکایت حضرت یحیی (ع) ذکر پدر و مادر هر دو شده است.

حقوق والدین و اخبار:

پیغمبر اکرم(ص) فرمود: کسی که والدین خود را بیازارد مرا اذیت کرده و کسی که مرا بیازارد خدای را آزرده و آزار کننده خدا ملعون است.

و همچنین فرمود: عاق والدین هر عملی که می خواهد بجا آورد، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.

و نیز پیغمبر اکرم(ص) فرمود: سه طایفه اند که در روز قیامت خداوند با ایشان سخن نمی فرماید و نظر رحمت به آنها نمی کند و ایشان را پاک نکرده و از برای آنها عذاب دردناکی است ایشان شرابخواران و تکذیب کنندگان بقدر الهی و عاق والدین اند.

عقوق چیست ؟

مجلسی در شرح کافی گوید : عقوق والدین این است که فرزند حرمت آنها را رعایت نکند و بی ادبی نماید و آنها را به سبب گفتاری یا رفتاری برنجاند و آزار واذیت کند و در چیزهایی که عقلاً و شرعاً مانعی ندارد نافرمانی از آنها نماید و این عقوق گناه کبیره است و دلیل بر حرمت آن کتاب ، سنت و اجماع خاصه و عامه است .

از حضرت صادق (ع) مرویست کمترین عقوق (ناسپاسی والدین) گفتن اف است (بروی پدر یا مادر) و اگر خدا چیزی را از آن آسانتر می دانست از آن نهی می کرد و نیز از عقوق است به پدر یا مادر نگاه خیره و تند کردن . و از امیرالمومنین مرویست از عقوق است محزون ساختن پدر یا مادر و از موارد قطعی عقوق که گناهان کبیره است ترک برواجب مانند نفقه (مخارج روزانه و لباس و مسکن) در صورت احتیاج پدر یا مادر می باشد و بطور کلی آزردن خاطر والدین و رنجاندن و ناراحت ساختن آنها عقوق و حرام مسلم است .

۱۰- قطع رحم

ششم از گناهان کبیره قطع رحم است حضرت صادق و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام بکبیره بودنش تصریح فرموده اند و نیز از گناهانی است که در قرآن مجید وعده آتش بر آن وارد شده و مورد لعن پروردگار عالم است و او را خاسر نامیده است. از حضرت سجاد(ع) مرویست که فرمود: از مصاحبت قاطع رحم بپرهیز که او را در سه جای قرآن ملعون یافتیم. (۱- سوره ۲ آیه ۲۵، ۲- سوره ۱۳ آیه ۲۶، سوره ۴۷ آیه ۲۴ و ۲۵)

بدترین اعمال نزد خدا:

مردی به پیغمبر(ص) عرض کرد: کدام عمل نزد خداوند بدتر و مبغوضتر است؟ فرمود: شریک قرار دادن برای او، گفت پس از آن چیست؟ فرمود قطع رحم، گفت پس از آن چیست؟ فرمود امر به منکر و نهی از معروف.

قطع رحم عرفی است : چنانچه صله رحم امر عرفی شد قطع رحم هم عبارت از هرامری است که در عرف بریدگی از آن فهمیده شود مانند سلام نکردن یا روترش کردن یا رو برگرداندن یا ترک احترام و ادب نمودن یا در سفر جواب نامه ندادن یا در حضر ترک دیدار یا مثلاً عیادت نکردن از مریض یا از سفر بازگشته یا نظایر اینها

قطع رحم مسلمان و کافر فرقی ندارد : ظاهراً ملاقات وارده در مقام آن است که فرقی در حرمت قطع رحم نیست بین این که رحم مسلمان باشد یا کافر، شیعه دوازده امامی باشد یا از سایر فرقه های مسلمان . عادل و پرهیزگار باشد

یا فاسق و فاجر، اجمالاً کفر و فسق سبب سقوط حق رحمت نمی شود. ابن حمید به امام صادق (ع) عرض کرد: بستگان من بر غیردین من هستند آیا باز برای ایشان حقی بر عهده من است یا نه؟

حضرت فرمودند: بلی حق رحم به هیچ چیز ساقط نمی شود، اگر بستگان بر دین تو بودند دوحق بر تو داشتند. حق رحم و حق هم کیشی و برادری دینی

صله رحم با بغض کافر منافاتی ندارد: آنچه از وجوب صله رحم و حرمت قطع آن ذکر شد که فرقی بین کافر و مسلمان، فاسق و پرهیزگار ندارد، این موضوع با حرمت دوستی با کافر و فجار و وجوب بغض و دشمنی ایشان منافاتی ندارد زیرا صله، حسن سلوک و معاشرت با رحم است به مقداری که در عرف بگویند قطع رحم نکرد و این حسن سلوک با بغض منافاتی ندارد زیرا که آن امر قلبی و باطنی است

۱۱- غیبت:

از گناهانی که کبیره بودنش به واسطه وعده عذابی است که در قرآن مجید از اخبار کثیره بر آن وارد شده است، غیبت کردن است چنانچه در سوره نور آیه ۱۹ می فرماید: ((کسانی که دوست می دارند خصلت نا شایسته درباره کسانی که ایمان آورده اند فاش شود، برای آن ها عذابی دردناک در دنیا و آخرت است.))

در سوره حجرات می فرماید: ((نباید بعضی از شما دیگری را غیبت کند آیا دوست دارد یکی از شما که گوشت برادر خو را بخورد در حالی که مرده باشد البته آن را بد می دارید.))

در این آیه شریفه یک احتمال این است که کیفیت عذاب اخروی غیبت به این است که غیبت شده مجسم می شود و مشاهده این احتمال روایتی از رسول خدا (ص) است که می فرماید در شب معراج گروهی را در آتش دیدند در حالی که مردار می خورند از جبرئیل پرسیدند اینها چه کسانیند فرمودند کسانی هستند که در دنیا گوشت مردم را می خوردند یعنی غیبت مردم را می کردند.

در سوره همزه می فرماید ویل لكل همزه لمزه بعضی گفته اند همزه طعن زننده و لمزه غیبت کننده است ویل هم نام درکه است از درکات جهنم یا چاهی در آن است و به معنی شدت عذاب هم استعمال شده است. به چندین طریق از رسول خدا مروی است که گناه غیبت از زنا بدتر است زیرا زنا مننده اگر توبه کند خداوند او را می آمرزد اما غیبت کننده را نمی آمرزد مگر شخص غیبت شده او را ببخشد. همچنین رسول خدا (ص) می فرماید:

دروغ گفت هر کس خیال کرد حلال زاده است در حالی که گوشت مردمان را به غیبت کردن شان می خورد، از غیبت پرهیزد زیا خورش سگهای دوزخ است.

رسول خدا می فرماید : غیبت آن است که برادر دینی ات را به آنچه کراحت دارد باد کنی و حضرت امام صادق(ع) میفرماید غیبت آن است که درباره برادر دینیت عیبی را که خداوند براو پوشیده است بگویی

۱۲- نیمه:

از گناهان کبیره ای که کبیره بودنش به واسطه وعده عذاب در قرآن و اخبار مسلم شده نیمه است

نمام یعنی سخن چینی و کسی که حرفی از یک نفر درباره کسی شنیده و بر آن کس نقل می کند ، دعووض اینکه بین مومنین ایجاد علاقه و الفت و محبت کرده و اتحادشان را محکم سازد نفرت و تفرقه و دشمنی ایجاد می کند پس برای او لعنت و عذاب آخرت است .

در آیه ۱۸۷ سوره بقره می فرماید : فتنه از قتل شدیدتر است و ظاهر است که شخص نمام به واسطه سخن چینی آتش فتنه ها را روشن می سازد و در سوره قلم ضمن صفات کفار که سزاوار دخول آتش اند می فرماید حرکت کنندگان برای سخن چینی کردن اند.

رسول خدا (ص) می فرمایند: شمارا به بدترین خودتان آگاه نکنم . گفتند بلی ای پیغمبر گرامی . فرمودند : آنها که به سخن چینی روند و میان دوستان جدایی افکنند و برای پاکان عیب ها جویند.

همچنین فرموده اند : به معراج رفتهم وزنی را دیدم که سرش مانند خوک ی بدنش مانند بدن الاغ بود و براو هزار هزار جور عذاب بود پس از آن پرسیده شد که کار آن زن چه بود؟ فرمودند: سخن چینی و خبر بری و دروغ گویی

۱۳- الامن من مکر الله

یکی دیگر از گناهان کبیره امن از مکر الهی است. با اینکه انسان از انتقام پنهانی و ناگهانی و قهر خفی خدا ایمن و راحت ننشیند و از سرعت در انتقام ناگهانی او نیندیشد و در دل از اینکه بواسطه صدور گناه، دچار عذاب گردد، ترسی نداشته باشد.

در حدیث هایی که از حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد (علیهم السلام) در بیان گناهان کبیره رسیده، امن از مکر الهی را از جمله کبائر شمرده اند و بکبیره بودنش تصریح فرمودند. و نیز در قرآن کریم سوره ۷ آیه ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ می فرماید: «آیا مردم قریه ها و آبادیها ایمنند از اینکه عذاب ما شبانه هنگامی که در خوابند به ایشان برسد. یعنی از شبیخون قهر و انتقام الهی بجزای گناهانشان هنگامیکه در خوابند که یک نوع از مکر است باید بترسند.»

«آیا مردم قریه ها ایمنند که عذاب ما نیم روز هنگامی که سرگرم کارهای دنیوی هستند ایشان را دریابد؟ یعنی گنه کاران باید از رسیدن عذاب الهی به آنها هنگامی که در غفلت و سرگرم شهوات انسانی و کارهای دنیوی هستند بیمناک باشند.»

«مگر از مکر و تدبیر خدا ایمن شده اند پس بدانند که عذاب ناگهانی و غافلگیری خداوند ایمن نمی شوند جز زیانکاران.»

در این سه آیه شریفه از ایمن بودن و نترسیدن از عذاب الهی نهی فرموده و در آخر آیه ایمنان از عذاب الهی را زیان کار خوانده است و لازمه آن وعده عذاب در آخرت است زیرا اهل نجات و بهشت را زیان کار نمی گویند و در قرآن مجید جر به کفار و فجار که اهل عذابند زیان کار گفته نشده است.

۱۴- ریختن آبروی مومن:

از گناهان کبیره ای که خداوند بر آن عذاب داده هتک آبروی مومن است به هر نحوی که باشد. از آنچه آیات و روایات در شان مومن رسیده دانسته می شود که اهتمام شرع مقدس در شان و شرافت فوق العاده است به طوری که حرمتش را از جمیع محترقات بالاتر و ریختن آبرویش را از گناهان عظیم و مانند ریختن خونس به حساب آورده و نسبت و بستگی مومن بها خداوند، ظاهر است و بدیهی است که هتک آبروی وابسته به بزرگی در حقیقت هتک آن بزرگ خواهد بود.

امام کاظم (ع) می فرماید به خدا قسم حق مومن بزرگتر از حق کعبه است. از جمله موارد ریختن آبروی مومن و هتک او مسخره کردن، دشنام دادن، ذلیل و سبک کردن مومن، سرزنش کردن و رسوا نمودن مومن است چنانچه امام صادق (ع) می فرماید کسی که مومنی را سرزنش کند خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش می فرماید.

اذیت به مومن نیز از موارد هتک اوست. رسول خدا (ص) می فرماید: هرکس مومنی را بیازارد مرا آزرد و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرد و هرکس خدا را بیازارد در تورات و انجیل و زبور و قرآن ملعون است.

۱۵ - ربا خواری

نهم از گناهان کبیره ای که به کبیره بودنش توسط قرآن و ائمه معصومین تصریح شده است ربا است و به از جمله گناهانی است که بر آن وعده عذاب الهی داده شده است.

خداوند در سوره آل عمران می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید ربا مخورید، چیزی که داده اید چند برابر باز مسازید و افزونی و زیادی طلبید و از مخالفت خداوند پرهیزید تا رستگار شوید و بترسید از آتشی که برای کافران آماده شده است.»

یعنی آتشی که در اصل برای کافران است شما خودتان را بواسطه خوردن ربا، سزاوار آن نکنید. در سوره البقره نیز می فرماید: «کسانی که ربا می خورند در قیامت از گورهای خود بر نمی خیزند مگر مانند کسی که شیطان به سبب مس کردنش او را بیفکند.»

انحراف از عقل و شرع

یعنی خورندگان ربا و گیرندگان ربا در روز قیامت بشکل دیوانه ها از گور بر می خیزند و اهل محشر به این نشانه آنها را می شناسند و حشر ربا خواران به این صورت برای این است که در دنیا از طریق عقل و شرع منحرف شده و از مقتضای حیات انسانی که مهربانی و عدالت و کمک بیکدیگر است دور گردیدند و در حقیقت رباخواران در همین دنیا مجنون و ممسوس شیطان و متحرک بحرکت اویند.

ربای قرضی:

ربای قرضی آن است که شخص مالش را به دیگری قرض دهد به شرطی که پس از مدتی ، زیادتر از آنچه داده بگیرد خواه زیادتی از جنس باشد مثل اینکه ده تومان داده شرط کند که یازده تومان بگیرد یا ده عدد تخم مرغ قرض داده شرط می کند که یازده عدد پس بگیرد .

یا اینکه زیادتی به حسب کار باشد مثل اینکه ده تومان قرض می دهد و شرط می کند که همان ده تومان را پس بگیرد و لباسش را هم بشوید .

و همچنین است زیادتی نسبت به بهره و منفعت ، مثل اینکه هزار تومان قرض دهد که همان را بگیرد به شرطی که یک سال مجاناً^۱ در خانه قرض گیرنده بنشیند

یا اینکه زیادتی از قبیل وصف باشد مانند اینکه طلای نساخته را بوزن ده مثقال بدهد و شرط کند که ده مثقال طلای ساخته شده بگیرد

نکته : چنانکه ربا گرفتن حرام است ربا دادن هم حرام می باشد و چون اصل ربا حرام است فاسد هم می باشد پس قرض گیرنده مالک آن مال نمی شود و اگر تصرفی کرد و منفعتی در آن پیدا شد مال قرض دهنده و مالک اصلش می باشد مثلاً اگر گندم را بطور ربائی قرض کند و آن را بذرنماید حاصلی که به دست می آید مال صاحب گندم است بلی در صورتی که قرض گیرنده یقین دارد که اگر شرط زیادتی هم نشده بود قرض دهنده راضی بود که در آن مال تصرف نماید تا رفع حاجتش شود ، تصرفش عیبی ندارد

نکته : آنچه که گذشت در صورتی ربا و حرام است که شرط زیادتی شده باشد ولی اگر شرط زیادتی نشده و به عنوان قرض الحسنه داده شده ، اگر بدهکار به میل خود چیزی بر آن افزود مانعی ندارد بلکه مستحب است که

بدهکار سرموعد پیش از آنکه طلبکار مطالبه نماید بدهیش را بپردازد و ثانیاً چیزی به عنوان هدیه به قرض دهنده بدهد. از آن طرف هم بر طلبکار مستحب است چیزی را که به عنوان هدیه گرفته از اصل طلبش حساب کند

۱۶- زنا و لواط

دهم از گناهانی که به کبیره بودنش تصریح شده زنا و لواط است چنانچه حضرت صادق(ع) و حضرت کاظم(ع) و حضرت رضا(ع) و حضرت جواد(ع) فرموده اند و برای کبیره بودنش به آیه ۶۸ از سوره فرقان متمسک شده که می فرمایند: «از جمله صفات بندگان خدا آنست که نپرسند و نخوانند با خدای بحق خدای دیگری را(یعنی مشرک نباشند) و آن نفسی که خدا کشتنش را حرام فرموده نکشد و زنا نکنند، و کسی که اینها را بجا آورد (شرک، قتل، زنا) برسد و ببیند جزای خود را که شکنجه اش در روز قیامت دوچندان است و همیشه بخواری در آتش است.»

از امام صادق (ع) مرویست که: «حرمت لواط از زنا بیشتر است، بدرستی که خداوند قومی را برای عمل لواط هلاک فرمود(قوم لوط) ولی کسی را برای زنا هلاک نفرمود.

از رسول اکرم(ص) مرویست که فرمود: کسی که با پسری جمع شود روز قیامت جنب وارد محشور می شود و آب دنیا او را پاک نمی کند و خشم خدا بر اوست و او را لعنت فرموده، دوزخ را برایش آماده می فرماید و بد جایگاهی است. سپس فرمود هر گاه کسی لواط کند، عرض خدا بلرزه در آید و خداوند او را لعنت و غضب فرموده و جهنم را برایش آماده می فرماید و ملوط (مفعول) را در کنار جهنم نگه می دارند تا خلائق از حساب فارغ شوند، پس او را در جهنم می اندازند و در طبقات دوزخ همیشه معذب خواهد بود.

عذابهای قوم لوط بر ظالمین

در قرآن مجید سه نوع عذاب برای قوم لوط بیان فرموده: صحیحه، باریدن سنگ عذاب برا آنها، زیر و رو شدن شهرهای آنها. بعد می فرماید: عذابی که بر قوم لوط نازل شد از ظلم کنندگان دور نیست. و این تهدید سختی است به کسانی که عمل آنها را مرتکب شوند

هوشیاری: چون زنا موجب فساد و اختلال نظام اجتماعی بشری و هلاکت اخروی است خداوند به حکمت بالغه اش چند امر را واجب فرموده که اگر مسلمانان این امور را رعایت نمایند هیچگاه به چنین گناه بزرگی مبتلا نخواهند شد.

۱- حجاب از ضروریات قرآن است: در چند جای قرآن مجید زنها را امر به حجاب فرموده از آن جمله در سوره نور آیه ۳۰ می فرماید " باید بزنند یعنی فرواندازند زنها مقنعه های خود را برگریبان هایشان (گردن خود را به مقنعه سرپوشانند تا مو و بناگوش و سینه شان پوشیده بماند) و زینت و جمال و آرایش خود را جز برای شوهران

و محارمشان یعنی پدر، پدرشوهر و پسر، و پسرشوهر و برادر و پسرخواهر و سایر زنهاى مسلمان و کنیزملكى و خدمتگزارى كه ميل به زنا ندارد كه آنهايى هستند كه پيرند يا ابلهاني كه از شهوت مباشرت خبر ندارند و طفلى كه هنوز به حد تميز نرسيده و از حال مباشرت با زنان بى خبرند و نمى دانند عو» آن آنها آنها نمايد و اينتر زنان چيست و زنان آنطور پاي به زمين نزنند كه خلخال و زيورپنهان پاهيشان معلوم شود

۲- و در سوره مباركه احزاب مى فرمايد : اى پيغمبر گرامى ، به زنان و دختران خود و زنان مومنين بگو تا فروگذارند برخود چادرهاى خويش را و رویشان و كتفهاى خود را با آن بپوشانند كه اينكار نزد يكتراست به اينكه به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعريش و جسارت هوسرانان آسوده باشند

۳- و در آيه ۳۲ از سوره احزاب مى فرمايد : اى همسران پيغمبر (ص) شما مانند سايز زنها نيستيد ، اگر مى خواهيد تقوى نماييد پس با بيگانه با صدای نازك و مهيج سخن نگويد تا آنانكه دلشان بيمار است در شما طمع نکنند و بگويد گفتارى نيكو و پسنديده و دور از غيبت و تهمت و در خانه هايتان جاى گزين شويد و خود نمائيه و حرکات دوران جاهليت را کنار بگذاريد .

۴- و در آيه ۴۳ از همين سوره مى فرمايد : هنگامي كه براى كاري با زنهای پيغمبر (ص) سخن مى گوئيد درميان شما و ايشان حجابى باشد ، اين كار براى پاكي دلهاى شما نيكوتر است .

طبق اين دستور زنهاى مسلمان موظفند خود را از مردان بيگانه كه با آنها محرميت ندارند بپوشانند و در قيفه و لباسى بد درملا عمومى ظاهر شوند كه اندام و تن آنها در معرض نگاههاى مسموم و شهوت آميز هوسرانان و تجاوزكاران نباشد ، اين وظيفه زن است كه از اين راه هم شخصيت و ارزش خود را حفظ كند و هم از پديد شدن منظره مهيجى كه قهراً مردها را دچار تحريك و در نتيجه آلوده شدن به افكار خطرناك نامشروع مى كند مانع شوند بنا بر اين نبايد زن درهمه جا در اختيار عابرين و چشم چرانان قرار بگيرد ، چرا اينقدر ارزش او ناچيز باشد و چرا اينگونه علناً مبتلا به انحراف فساد شود

۲- نگاه به بيگانه :

ديگر امر فرمود كه زنان مسلمان چشمان خود را از نگاه به مرد بيگانه نگهدارند و مردان مسلمان را امر فرمود كه از نگاه به زنان اجنبيه خوددارى كنند . در سوره نور مى فرمايد : اى پيغمبر ، مردان مومن را بگو كه چشمان خود را از نگاه به اجنبيه بپوشانند و زنان مومنه را هم بگو تا چشمهاى خود را از مردان بيگانه بپوشانند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت و تماس نامشروع) نگهدارند و زينت و آرايش خود را جز آنچه قهراً ظاهرى شود بربگانه آشكار نسازند .

تيرهاى زهر آلود شيطان :

از حضرت صادق (ع) است : که نگاه ناروا تیری است زهرآلود که به قلب صاحبش می خورد و چه بسیار نظره‌های ناروا که حسرت طولانی در پی دارد .

زنای اعضای بدن : و نیز از حضرت باقر (ع) و حضرت صادق (ع) است که نیست کسی مگر اینکه بهره ای از زنا دارد ، پس زنای چشم نگاه نارواست و زنای دهان بوسه حرام و زنای دست ، مس بیگانه نمودن است .

و نیز مرویست : کسی که چشمان خود را از حرام پر کند خداوند روز قیامت چشمانش را از آتش پر می فرماید

ابلیس قرین آتشین : کسی که زن بیگانه ای را در بر بگیرد در قیامت با شیطان هم زنجیر است به زنجیر آتشین و با هم دردوزخ خواهند بود و کسی که چشمش به زن بیگانه ای بیفتد و برای خدا تکرار نظر نکند و چشم بر هم گزارد یا به آسمان بنگرد خدا دردش امن و ایمانی قرار می دهد که لذتش را می چشد و او را با حورالعین تزویج می فرماید

و هرزنی که شوهر داشته باشد و چشمش را از نگاه به غیر شوهر و محرّمش پر کند خشم خدا بر او شدید است.

و در چند روایت از نگاه کردن به پشت سرزنها ، هر چند با حجاب باشند نهی شده است که البته حمل بر کراهت می شود .

۳- تحریم خلوت با بیگانه : خلوت با بیگانه را با احتمال و ترس وقوع در حرام ، تحریم فرموده هر چند مشغول عبادت شوند

از پیغمبر اکرم (ص) مرویست : کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد در جائی نمی ماند که نفس زن بیگانه را می شنود

وقتی که پیغمبر (ص) از زنهای مسلمان بیعت و عهد می گرفت شرط می فرمود که با مردان بیگانه در جای خلوت ننشینند

و مراد از خلوت آن است که مکان جوری باشد که دیگری نتواند داخل شود مانند اطاقی که درش بسته باشد یا خانه ای که کسی به آن آمد و شد کند

۱۷- پیمان شکنی

از گناهان کبیره ای که به کبیره بودن آن تصریح شده است و بین مردم نیز رایج است، شکستن پیمان و وفا نکردن به عهد است چنانچه در صحیحه حضرت عبدالعظیم ذکر شد و حضرت صادق (ع) برای کبیره بودنش به آیه ۲۵ از سوره عهد استشهد می فرماید: «کسانی که پیمان خدای را پس از بسته شدنش می گسلند و می بُرنند آنچه

خداوند امر به پیوند فرموده و در زمین فساد می کنند برای ایشان دوری از رحمت خداست و برایشان سرای بدی است که دوزخ است.»

بالجمله بدترین موجودات روی زمین کسانی هستند که از باز خواست خدا نمی ترسند و در پیمان شکنی بی باکند مانند یهود بنی قریظه که با رسول خدا (ص) عهد کردند که خیانت نکنند و ضرری نرسانند و دشمنان آن حضرت را یاری نکنند و در عوض در دین خود ثابت و در امان مسلمانان باشند و چون چند مرتبه نقض عهد کردند پس خداوند در این آیات (سوره ۳ آیات ۷۰ و ۷۱) امر فرموده با آنها قتال کنند.

امیر المؤمنین (ع) می فرماید: «پیمان شکنی موجب خشم خدا و مردم است و خداوند می فرماید خشم خدا بزرگ است در اینکه می گوئید آنچه را بجا نمی آورید.»

۱۸-خیانت به امانت

از گناهای که در نص معتبر به کبیره بودنش تصریح شده غلول یعنی خیانت است چنانچه در صحیحہ عبدالعظیم (ع) از حضرت جواد و همچنین حضرت رضا و حضرت کاظم و حضرت صادق علیه السلام است. بعضی از اهل لغت گفته اند غلول خیانت در مالی است که از کفار گرفته اند و بتصرف مسلمانان آمده ولی هنوز قسمت نکرده اند بعضی دیگر گفته اند غلول مطلق خیانت است و از آنجمله است خیانت در غنیمت پیش از تقسیم: دلیل اینکه خیانت بطور کلی حرام است روایت فضل بن شاذان از حضرت رضا (ع) است و در آن بجای کلمه غلول فرموده «و الخیانه» یعنی از جمله گناهان کبیره خیانت است. و همچنین در روایت اعمش از حضرت صادق (ع) فرموده است «و الخیانه».

وعده عذاب در قرآن

و نیز گناهی است از که در قرآن مجید و روایات معتبره بر آن وعده عذاب داده شده و می فرماید: «هر کس خیانت کند روز قیامت با خیانت خود همراه است و همه در آنروز بجزای عملشان می رسند و به هیچ کس ستم نمی شود. آیا کسی که در طریق رضایت و خشنودی خدا گام بر می دارد مانند کسی است که مشمول خشم خداست و جایگاهش دوزخ است و بد جایگاهی است.

در سوره تحریم می فرماید: «زن نوح و زن لوط با آن دو خیانت کردند پس ایشان از آن دو زن چیزی را از عذاب خداوند دفع نکردند و به آنها گفته شد با آتش درآید همراه داخل شوندگان.»